

نخستین شهرداری‌های تاریخ ایران چه کسانی بودند؟

۷ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۴۶

۱۰۱ سال پیش مجلس اول شورای ملی، قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن دستگاه جدیدی به نام «بلدیه» پیگیر امور شهری شد و بدین ترتیب شهرهای ایران، چهره نوینی را به خود گرفت. مجلس شورای ملی قانونی را تصویب کرد تا پس از سال‌ها زندگی شهرنشینی، زندگی شهروندان در چارچوب قانون، مدون شود و امور شهری از طریق متولی جدیدی سامان بگیرد.

البته فکر تاسیس بلدیه سال‌ها قبل ایجاد شده بود؛ ناصرالدین شاه در ۱۳۰۰ قمری به دنبال اصلاح امور داخلی، تصمیم گرفت بلدیه را در تهران تاسیس کند.

شاه قاجاری پس از سفرهایی که به ممالک خارجی کرده بود، با جایگاه بلدیه در این کشورها و نقش آنها در اداره امور شهری آشنا شد، لذا مصمم شد تا برای بهبود اوضاع شهرهای ایران از جمله تهران و حل مشکلات مربوط به روشنایی، نظافت و امور شهری، بلدیه را در ایران تاسیس کند.

در آن زمان دارالخلافه ناصری برپا بود، اگر چه تهران رنگ و روی یک پایتخت را به خود گرفته بود، ولی کوچه‌ها و خیابان‌ها هم‌چنان خاکی و ابتدایی بود، شهر تاریک بود و هیچ یک از امکانات و خدمات شهری در آن دیده نمی‌شد. ناصرالدین شاه به منظور تشکیل بلدیه در تهران، میرزا عباس خان مهندس‌باشی را که از محصلان اعزامی دولت به فرانسه بود، به ایران دعوت و به سمت رییس بلدیه شهر تهران انتخاب کرد.

میرزا عباس خان مهندس‌باشی در نخستین اقدام به سامان‌دهی بازار تهران پرداخت که با اعتراض‌های وسیع بازاریان رو به رو شد. ناصرالدین شاه برای جلوگیری از اغتشاش‌های احتمالی کسبه بازار، بلدیه را تعطیل کرد و بدین ترتیب نخستین بلدیه تهران در گریو دار سامان‌دهی شهر، با بن‌بست مواجه شد.

در سال ۱۲۸۴ ه‍.ش، یک سال پس از تصویب قانون بلدیه در مجلس شورای ملی، با فرمانی از جانب مجلس، «آقا محمدخان قاجار

قوانلو» معروف به کاشف السلطنه مامور تاسیس شهرداری به سبک جدید شد.

وی ابتدا جزوهای را تنظیم کرد که در آن وظایف شهرداری و مامورین آن به تفضیل آمده و تشکیل انجمن‌ها و دوائر مختلف و محدوده و اختیارات آنها بیان شده بود؛ این جزوه که به نام «کتابچه قانون بلدیه» معروف بود مشتمل بر ۱۰۸ ماده در سال ۱۳۲۵ هجق چاپ شد.

از برنامه‌های او برای سامان‌دهی شهر تهرانمی‌توان نامگذاری بعضی از خیابان‌ها و کوچه‌های تهران، شماره‌گذاری منازل، روشنایی چند خیابان و رساندن آب آشامیدنی به خانه‌ها با گاری بشکه‌دار و نظافت معابر و آب‌پاشی خیابان‌ها را نام برد.

با روی کار آمدن رضا شاه به عنوان نخست وزیر روند تمرکز گرایی دولت با شدت بیشتری دنبال شد و دولت در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ قانون جدیدی برای تشکیلات بلدیه تصویب کرد. متن آن قانون به منظور رفع مشکلات دولت در زمینه امور شهر تدوین شده و نحوه دریافت عوارض و مالیات‌ها را برای دولت مشخص و راحت تر کرده بود. در سال ۱۳۰۸ هجش چهار شعبه بلدیه به نام بخش در چهار نقطه شهر تشکیل شد و در سال ۱۳۱۵ تعداد بخش‌ها به هشت رسید.

بعد از جنگ جهانی دوم و عزل رضا شاه و به قدرت رسیدن پسرش محمد رضا فعالیت شهرداری به همان شکل سابق تا سال ۱۳۲۸ ادامه یافت. در سال ۱۳۲۸ به دلیل مشکلاتی که در سطح شهرها به شم می‌خورد و از آن جا که مردم نقش چندانی در امور شهری نداشتند دولت تصمیم گرفت انجمن‌های شهری را مجددا فعال کند.

اما چون به تشکیل انجمن‌های شهری از دیدگاهی قدرت گرایانه و از بالا نگاه می‌شد و هدف این بود که در تشکیل انجمن‌های شهری قدرت دولت هم لحاظ شود قدرت زیادی به انجمن‌های شهری و شهرداری داده شد و آنها عملاً ویژگیهای یک نظام تمرکز گرا را پیدا کردند اما از دهه ۱۳۳۰ به بعد تغییراتی که در شرح وظایف و سیستم اداری شهرداری به وجود آمد این نهاد شهری به شکل و شمایل امروزی خود نزدیکتر شد.



عزل و نصب‌های پیاپی شهرداران که از سالهای اولیه بعد از شهریور ۱۳۲۰ شروع شده بود در سال‌های بعد نیز همچنان ادامه یافت که اسامی این شهرداران به ترتیب عبارتند از: مصطفی قلی رام، محمد سجادی، سید مهدی عماد السلطنه، فضل‌الله بهرامی، عباسقلی گلشائیان، غلام‌حسین ابتهاج، محمود نریمان، مهدی مشایخی، محمد خلعتبری، حسام‌الدین دولت‌آبادی، محمد مهران، مهدی نامدار، ارسلان خلعتبری، نصرالله امینی، سید محسن نصر، سرتیپ محمد علی صفاری، نصرت‌الله منتصر، سرلشکر محمد دولو، موسی مهمام، ناصر ذوالفقاری، فتح‌الله فرود، احمد نفیسی، علی اکبر توانا، ضیاءالدین شادمان، تقی سرلک، منوچهر پیروز، جواد شهرستانی و غلامرضا نیک‌پی که از جمله شهرداریانی است که بیشترین طول دوره ریاست را در شهرداری تا قبل از انقلاب داشته است. وی به مدت هشت سال یعنی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ شهردار بود.

بدین ترتیب از دوره ناصری تا پایان پهلوی، حکایت بلدیه، دارای ماجرای پرپیچ و خمی بوده که گاه برای امور شهری مفید و گاه آه مردم را بلند می‌کرده است. به هر حال «بلدیه» با تمام فراز و نشیب‌های خود، توانست «طهران» را «تهران» کند و شهر پر از گرد و غبار را که در شبکه‌های ناصری تنها وسایل نقلیه آن بودند به شهری وسیع تبدیل کند که خیابان، ماشین، اتوبوس و حتی بولوارها و میادین جدید نمادهای جدید آن بودند.

البته تهران آن روز هنوز «هویت» داشت و شهرداران به خوبی می‌دانستند که حق وارد کردن ضربه به بافت‌های تاریخی شهر را ندارند و هر کس دشمن تاریخ شهر باشد با تنفر ساکنان مجبور به ترک کرسی ریاست بلدیه می‌شود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۶۹۳۰/بوند-کسانی-ایران-تاریخ-شهردارهای-نخستین/>